

طب مکمل و طب نوین

دکتر محمدرضا توکلی صابری

چند دهه‌ای است که شبه پزشکی‌های دیگری رواج یافته است که به نام‌های گوناگونی مانند طب مکمل، (complementary medicine)، طب کل‌نگر (whoistic medicine)، طب جایگزین یا طب دیگر (alternative medicine)، طب یکپارچه (integrative medicine)، طب سنتی (traditional medicine) و طب اسلامی (Islamic medicine) خوانده می‌شود. این طب شامل روش‌های درمانی گوناگونی است که در دوران‌های مختلف تاریخی در جوامع ابتدایی و یا پیشرفته جریان داشته است. طب مکمل روش‌های درمانی بسیاری را شامل می‌شود. از مراسم جوامع ابتدایی آفریقایی مانند خواندن اوراد و رقصیدن برای دور کردن شیاطین ایجادکننده بیماری‌ها، روش‌های درمانی شامان‌های (shaman) آمریکایی که شامل طبل زدن و خواندن اوراد است، اعمال وودوهای (voodoo) هائیتی و یا آفریقای غربی، تا شیوه‌های عقلانی‌تر اما شبه علمی و بی‌اثر مانند طب سوزنی چینی و یا طب آیورودای هندی، شیاتزو، ریکی، کریستال درمانی، بادکش کردن،

طب نوین و یا طب مرسوم حاصل دو هزار و پانصد سال انباشت تجربه بشری است و از بقراط شروع شده و به نقشه‌برداری از ژنوم انسان انجامیده است و حاصل اندیشه و تجربه مردان بزرگی همچون بقراط، جالینوس، زکریای رازی، ابن‌سینا، پاستور، فلمینگ، واتسون و کریک است. هر یک از این مردان در شکستن مرزهای جهل و پیش بردن دانش پزشکی و زیست‌شناسی نقش مهمی داشته‌اند. با این حال دستاوردهای پزشکی و داروسازی در پنجاه سال گذشته مهم‌تر، مؤثرتر، دقیق‌تر و علمی‌تر از دستاوردهای دانشمندان جهان در دو هزار و چهارصد و پنجاه سال گذشته است. این از اهمیت کار دانشمندان و پزشکان گذشته نمی‌کاهد، زیرا روند کسب معرفت چنین است. اگر بخواهیم این پیشرفت را نمایش دهیم به شکل مخروطی است که رأسش رو به پایین و قاعده‌اش رو به بالا است و روز به روز به ارتفاع و قطر قاعده مخروط افزوده می‌شود. در کنار این پزشکی معمول و مرسوم (conventional medicine) که پزشکی نوین (modern medicine) نیز خوانده می‌شود،

بهترین خدمات درمانی بر اساس بهترین مدارک و شواهد موجود این شواهد با انجام آزمایش‌های علمی دقیق به دست می‌آید.

طب مکمل و طب دیگر مبنی بر ادعا (claim-based evidence) های ثابت نشده است. طب مکمل عبارت است از استفاده از روش‌ها و شیوه‌های درمانی تاریخی است که گاهی حتی به علت مصلحت سیاسی، مشکلات اجتماعی و سنت‌های فرهنگی رواج یافته است. مانند هومئوپاتی که در دوران نازی‌ها به عنوان طب آریایی ترویج می‌شد و طب سوزنی که در دوران مائوتسه دون به عنوان طب چینی ترویج می‌شد و طب آیورودیک که به عنوان طب هندی ترویج می‌شود. در هر دو مورد سیاستمداران می‌خواستند، طب ملی و مستقلی ایجاد کنند که جایگزین طب غربی باشد. غافل از این که طب غربی یا طب نوین خود حاصل جمع تجربیات تمام جوامع بشری است. در بعضی جوامع، فقیر مانند هند و یا بعضی کشورهای آسیایی و آفریقایی نبودن بودجه کافی برای خرید داروهای گران امروزی که تولیدکنندگان آن معمولاً غربی هستند، از عوامل دیگر رویکرد به طب مکمل و طب دیگر است.

طرفداران و دست‌اندرکاران طب مکمل و طب دیگر معمولاً به گذشته تاریخی پزشکی بر می‌گردند و می‌خواهند روش‌های ناکارآمد گذشته را به کار بگیرند. آن‌ها به علت فلسفی، سیاسی، فرهنگی، عقیدتی به آن روی می‌آورند، بدون آن که به اثربخشی شیوه‌های درمانی آن توجه کنند. آن‌ها به فرآیند پژوهش علمی اهمیت نمی‌دهند، آن را نمی‌فهمند و با وجود اسناد و مدارک و شواهد متعدد

زالو درمانی، عطر درمانی، آب درمانی، طب سنتی و شیوه‌های رایج در غرب مانند مغناطیس درمانی، ناتروپاتی، رفلکسولوژی، هومئوپاتی، استئوپاتی و کایرو پراکتیک و شارلاتانیسم محض مانند انرژی درمانی و فرادرمانی را در بر می‌گیرد. این شیوه‌ها بر مبنای سنت‌های تاریخی و یا فرهنگی ملل گوناگون قرار داشته و بنیاد علمی ندارند. عنوان طب مکمل، طب جایگزین و طب دیگر نام‌های بی‌مسمایی هستند، زیرا چیزی به پزشکی نوین نمی‌افزایند تا مکمل آن باشند، نمی‌توانند جایگزین آن باشند و یا راه‌های دیگری را عرضه دارند که مؤثرتر و کارآمدتر از پزشکی و داروسازی نوین باشد.

یکی از رشته‌های پزشکی مرسوم یا نوین پزشکی فارماکونوزی (pharmacognosy) است که در دانشکده‌های داروسازی ایران و جهان تدریس می‌شود و با استفاده از روش علمی به مطالعه طب سنتی کشورهای گوناگون می‌پردازد. داروهای مهمی مانند آسپیرین، آفدرین، دیگوکسین، کینیدین و تاکسول داروهایی هستند که با استفاده از روش‌های مدرن شیمیایی و داروسازی روی طب سنتی ملل مختلف به دست آمده‌اند و بسیار مؤثرتر، قوی‌تر و قابل کنترل و اندازه‌گیری‌تر از گیاهان حاوی این داروها هستند. پزشکی کنونی مبنی بر مدرک و سند (evidence-based, modern medicine) است، یعنی دانش بنیاد و مدرک بنیاد است. شیوه طب نوین استفاده آگاهانه، روشن و عاقلانه از بهترین شواهد و مدارک موجود برای تصمیم‌گیری در مورد مداوای بیماران است. به عبارت دیگر، ارایه

و دستورالعمل‌های غیرپزشکی برای درمان بیماری‌های خطیر است که موجب سردرگمی خوانندگان شده و ممکن است آن‌ها تصمیم‌های نادرستی را برای درمان بیماری‌های مهم خود بگیرند و مصداق گفته مارک تواین شوند. بسیاری از این رسانه‌ها اطلاعات نادرستی منتشر می‌کنند و ادعا می‌کنند که فلان روش یا شیوه درمانی در دانشگاه‌های آمریکا و یا اروپا تدریس می‌شود و پزشکان از آن روش‌ها برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنند، در حالی که این موضوع اصلاً حقیقت ندارد.

در این مقاله، به‌طور مختصر به بعضی از این اطلاعات و آمارهای نادرست اشاره می‌گردد: در هیچ یک از دانشکده‌های پزشکی آمریکا طب مکمل، طب سوزنی یا هومئوپاتی تدریس نمی‌شود. اصولاً در آمریکا هیچ دانشکده هومئوپاتی وجود ندارد. در اوایل قرن بیستم چند کالج وجود داشت که پس از اثبات بد اثر بودن هومئوپاتی، آن کالج‌ها هم تعطیل شدند. البته، انجمن‌های هومئوپاتی آموزشگاه‌هایی دارند که نام آن را کالج یا دانشکده می‌گذارند، ولی این مراکز اعتبار یک دانشکده یا کالج را ندارند و بنیاد ملی علوم آمریکا و وزارت بهداشتی این کشور این مؤسسه‌ها و انجمن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. آمارهای مربوط به تعداد استفاده‌کنندگان از طب مکمل و طب دیگر که در این رسانه‌ها ارایه می‌شود، بسیار اغراق‌آمیز و خلاف واقعیت است. تعداد افرادی که در سال ۲۰۰۲ در آمریکا از طب سوزنی استفاده کرده‌اند ۱/۱ درصد، هومئوپاتی ۱/۷ درصد، فرآورده‌های طبیعی ۱۸/۹ درصد، کایروپراکتیک ۷/۵ درصد و یوگا ۵/۱ درصد

آن‌ها را نادیده گرفته و به دنبال طب مکمل می‌روند که بر پایه شیوه‌هایی است که زمانی تصور می‌شده است که کارآمد هستند، اما امروزه با روش‌های علمی و دقیق نشان داده شده که تأثیر درمانی ندارند. اگر هم با روش‌های علمی ثابت شوند که مؤثر هستند، دیگر جزو طب مکمل نخواهند بود و بی‌درنگ جزو طب نوین خواهند شد.

اکنون که شیوه‌های غیرعلمی طبابت و داروها و روش‌های بیهوده از طریق ترجمه کتاب‌ها و مطبوعات غربی، جایگاه‌های اینترنتی و ماهواره‌ها در ایران فراوان شده، جا دارد که به این موضوع توجه شود و هزینه و وقت بیماران و پژوهشگران روی روش‌های بی‌فایده و بی‌اثر تلف نشود. وقت و هزینه‌ای که بیماران می‌توانند برای داروها و روش‌های مفیدتر صرف کنند، وقت و هزینه‌ای که پژوهشگران باید در مراکز جدی علمی مانند انستیتو پاستور، مؤسسه رازی، مرکز سلول‌های بنیادین، مرکز همانندسازی و دیگر مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی کشور مصرف کنند.

مارک تواین نویسنده آمریکایی گفته است: «هنگام استفاده از کتاب‌های پزشکی دقت کنید، شاید در اثر یک غلط چاپی بمیرید.» این گفته مارک تواین شامل روزنامه‌ها و مجلات و اینترنت هم می‌شود. این روزها توصیه‌های بهداشتی و تجویزهای پزشکی به وفور در این رسانه‌ها یافت می‌شود. اکثر کسانی که این توصیه‌ها و تجویزهای پزشکی را ارایه می‌دهند، هیچ‌گونه آموزش پزشکی ندارند. طب مکمل حاوی مقدار زیادی اطلاعات نادرست، ادعاهای اثبات نشده، آمارهای غیرواقعی و توصیه‌های بی‌فایده و گاهی خطرناک پزشکی

درمانی مورد پذیرش حرفه پزشکی قرار دهد، انجام آزمایش‌های پزشکی به روش دانشورزانه است که در پزشکی نوین معمول است. اما تولیدکنندگان این محصولات و ترویج‌کنندگان آن‌ها از این گونه آزمایش‌ها خودداری می‌کنند. برای مثال، اداره مواد خوراکی و داروی آمریکا (FDA) در سال ۱۹۹۳ می‌خواست شرکت‌های تولیدکننده محصولات طب مکمل را وادار به انجام پژوهش‌های علمی در مورد این فرآورده‌ها و اثبات کارایی آن‌ها بکند، ولی هم مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگان مبارزه‌ای جدی را علیه این اداره آغاز کردند، به طوری که سعی این اداره به جایی نرسید. این محصولات به هیچ‌وجه دارو محسوب نمی‌شوند، زیرا هیچ‌گاه از اداره مواد خوراکی و دارو در آمریکا اجازه نمی‌گیرند و خارج از قوانین مربوط به محصولات دارویی هستند. از آن جایی که هیچ کنترلی بر ادعاهای پزشکی تولیدکنندگان این محصولات نمی‌شود، در داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی به فروش نمی‌روند، بلکه در سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی و بهداشتی به فروش می‌روند.

مؤسسه بهداشت ملی (National institute of health) آمریکا در اثر فشار بنیادگرایان مسیحی و بعضی سیاستمداران طی یک دوره ۱۰ ساله، گروهی را مأمور تحقیق در مورد طب مکمل کرد، ولی نتیجه پژوهش‌های آن‌ها در مورد کارآمدی طب مکمل منفی بود. گروهی از برجسته‌ترین دانشمندان و دست کم چهار برنده جایزه نوبل از این مؤسسه خواسته‌اند که مرکز پژوهش‌های طب مکمل و طب دیگر را در این مؤسسه تعطیل کند، چون بخش عظیمی از این پژوهش‌ها بر مبنای

است. باید توجه داشت که طب مکمل یک صنعت ۴۰ میلیارد دلاری است و اجازه فروش محصولات مربوط به طب مکمل در اثر فشار سیاستمداران و مدیران این صنایع بر سازمان‌ها و نهادهای دولتی است. مطالب ترجمه شده از جایگاه‌های اینترنتی در این رسانه‌ها همه از جایگاه‌های اینترنتی است که در ترویج این روش‌ها منافع مادی دارند.

■ تعریف طب مکمل

بر طبق تعریف بنیاد علوم آمریکا (National science foundation) که بزرگ‌ترین سازمان سیاست‌گذاری علمی در آمریکا است و بر سازمان‌های علمی آمریکا نظارت دارد تعریف طب مکمل یا طب کل‌نگر یا طب دیگر عبارت است از «تمام روش‌های درمانی که با استفاده از روش‌های علمی (scientific method) ثابت نشده که مؤثر هستند». مؤسسه پزشکی (Institute of medicine) آمریکا که زیر مجموعه آکادمی علوم آمریکا است، طب دیگر و طب مکمل را چنین تعریف کرده است: «رویکرد غیرغالب به پزشکی در یک فرهنگ معین و در یک دوره تاریخی معین». ریچارد داوکینز زیست‌شناس و متفکر انگلیسی طب دیگر را این‌جور تعریف می‌کند: «یک رشته اعمال که نمی‌شود آن‌ها را آزمود، از آزمایش شدن امتناع می‌ورزند و پیوسته در این آزمایش‌ها رد می‌شوند». بسیاری از سازمان‌های بهداشتی و درمانی کشورهای اروپایی مانند انگلستان نیز تعریف‌های مشابهی را ارائه داده‌اند. تنها روشی که می‌تواند آن‌چه را که به نام طب مکمل و طب دیگر معروف است به‌عنوان یک روش

بادکش کردن، ایجاد استفراغ و تاول زدن برای درمان سرماخوردگی، زخم معده، مرض قند، بیماری‌های عصبی و هزاران ناراحتی دیگر در قرون گذشته به علت فقر علمی بوده و نه تنها تأثیر نداشته است، بلکه افراد بسیاری جانشان را در اثر این درمان‌ها از دست داده‌اند. از جمله «جرج واشنگتن» اولین رئیس جمهور آمریکا که نیمی از حجم خونس را در اثر رگ زدن از دست داد. پزشکان او برای درمان سرماخوردگی او این روش را تجویز کردند و طی دو روز ۲/۵ لیتر خون از او گرفتند و این مرد ۶۷ ساله در اثر دهیدراتاسیون (کاهش آب بدن) درگذشت!

رگ زدن و فصد فقط در موارد معدودی مانند بیماری هموسیدروز (افزایش بیش از حد آهن خون) و بعضی احتباس‌ها تجویز می‌شود. خون گران‌بهاترین مایع بدن است و نباید قطره‌ای از آن را از دست داد. برخلاف گزارش این رسانه‌ها، هیچ داروی گیاهی برای درمان نازایی، ایدز و هیپاتیت وجود ندارد و نشر چنین ادعاهای گزاف بزرگ پزشکی از سوی یک عطار یا فلان دکتر علفی توسط این رسانه‌ها بسیار خطرناک است. به راستی چه کسانی در ایران یا آمریکا به دنبال این نوع درمان‌ها می‌روند؟ به‌طور کلی، افراد زیر به دنبال این گونه درمان‌ها می‌روند: کسانی که دانش زیادی در مورد پزشکی ندارند، آن‌هایی که دچار ناراحتی‌های درمان‌ناپذیر مانند سرطان، آرتریت روماتوئید و طاسی هستند و به‌عنوان آخرین چاره به این روش‌ها روی می‌آورند. کسانی که از افسار محروم هستند و دسترسی به تسهیلات پزشکی مدرن و گران قیمت ندارند.

فهم نامرسوم از فیزیولوژی و بیماری‌ها مبتنی است و تأثیر کمی داشته یا اصلاً تأثیری نداشته است. تمام بررسی‌های انجام شده در مورد طب سوزنی نشان داده که اگر این شیوه تأثیری داشته، برابر اثر دارونما (placebo) بوده و بیماری پس از مدت کوتاهی بازگشته است.

طب مکمل ادعاهای زیادی در مورد درمان بیماری‌ها دارد، بدون آن که هیچ‌گونه مدرک علمی ارایه کند. ادعای درمان هیپاتیت و ایدز با طب سوزنی یک ادعای گزاف و بسیار مضحک است. کسی که چنین ادعایی دارد، حتی از تئوری طب سوزنی در مورد مریدین‌ها و چی یا از طب نوین در مورد ویروس‌ها کوچک‌ترین اطلاعی ندارد. کسانی که در آمریکا به دنبال چنین درمان‌هایی می‌روند معمولاً هیپی‌ها، مسیحیان بنیادگرا و خرافی، معتقدان به فلسفه‌های شرقی مانند بوداییسم و ذن و یا افراد عامی هستند که از مبانی علمی هیچ اطلاعی ندارند. انعکاس عقاید شخصی بیماران موافق یا مخالف طب مکمل در رسانه‌های طرفدار طب مکمل هیچ‌گاه ارزش نتایج پژوهش‌های مراکز تحقیقاتی بین‌المللی را ندارد. ادعای درمان خیانت به همسر یا می‌گرن با هومئوپاتی آن‌طور که گزارش شده، ادعایی گزافه و کذب محض است. آزمایش‌های انجام شده با داروهای هومئوپاتی روی هزاران بیمار نشان داده که داروهای هومئوپاتی هیچ تأثیری ندارند یا اگر تأثیر دارند، تأثیرشان برابر ماده بی‌اثر یا دارونما است. اصولاً ترکیبات هومئوپاتی آن قدر رقیق هستند که در آن‌ها ماده دارویی وجود ندارد.

استفاده از فصد یا رگ زدن همراه با تنقیه،

کار می‌برند. همین‌طور سازمان‌هایی که روی طب مکمل و طب دیگر تحقیق می‌کنند در مورد ادعاهای آن‌هایی که به کسب درآمد در طب مکمل و طب دیگر مشغول هستند، هیچ حقانیتی ایجاد نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد که این سازمان به‌عنوان موضوع تحقیقاتی به این موضوع علاقمند است. اگر روزی روش‌های درمانی آن‌ها به شیوه علمی ثابت شود، آن وقت جزو طب نوین یا جاری در می‌آیند.

باید دانست که هرگونه روش درمانی، مانند دارو درمانی، روان درمانی، روش‌های پزشکی و یا روش‌های خرافی تقریباً تا حدودی در تخفیف و تسکین هر بیماری مؤثر است، اما آن‌ها را شفا نمی‌دهد. یک فرد بی‌اطلاع ممکن است به راحتی این موضوع را باور کند که یک بیماری ممکن است در اثر یک روش غیرپزشکی شفا یابد. در حالی که هر بیماری یک دوره معین شدت و ضعف و یک سیر طبیعی دارد (دوره کمون، بروز، استقرار، شدت و بهبود) و به اصطلاح بالا و پایین می‌رود و پیشرفت و پسرفت دارد.

مشاهده و تجربه شخصی و گواهی فردی، چه پزشک و چه بیمار، در مورد یک دارو به ندرت به‌عنوان دلیل تأثیر آن دارو و یا روش درمانی پذیرفته می‌شود. البته ممکن است که این مشاهده و تجربه شخصی مبنای آزمایش‌های علمی برای اثبات و یا رد داروها و روش‌های درمانی باشد، اما به تنهایی هیچ‌گاه نباید به‌عنوان مدرک و دلیل اثر بخشی یا ایمنی یک دارو پذیرفته شود. در طب مکمل معمولاً به گفته‌های پزشکان بزرگ تاریخ و گواهی و تجربه فردی بها داده می‌شود، در حالی که یک شیوه درمانی و یا دارویی باید بدون

اگر افراد تحصیل‌کرده‌ای هم به سوی این مدعیان می‌روند یا از سر کنجکاو است یا از سر اضطراب، مانند «استیو جابز» یکی از بنیادگذاران کمپانی اپل. «استیو جابز» که قربانی طب مکمل شد، سرطان پانکراس داشت. وقتی سرطان او تشخیص داده شد، به توصیه پزشکان برای جراحی پانکراس اقدامی نکرد. این مرد که در صنعت الکترونیک انقلابی ایجاد کرد، به تصور آن که می‌تواند همان کاری را که در زمینه کامپیوتر انجام داد در زمینه پزشکی هم انجام دهد، سعی کرد با داروهای گیاهی یا رژیم غذایی، مدیتاسیون و روش‌های عجیب و غریب سرطان خود را درمان کند. متأسفانه، وقتی به بی‌نتیجه بودن این روش‌ها پی برد که بسیار دیر شده بود و مجبور شد که به عمل جراحی پانکراس و پیوند کبد رضایت دهد تا چند سالی بیشتر زنده بماند. در حالی که اگر همان موقع که سرطانش تشخیص داده شده بود، از روش‌های درمانی و دارویی نوین استفاده کرده بود، جهان این مرد بزرگ را به این زودی‌ها از دست نداده بود و میوه‌های ابداعات و اختراعات بیشتر او را می‌چشید. او تنها قربانی روش‌های پزشکی اثبات نشده نیست، افراد بی‌شمار دیگری همانند او همه روزه در سکوت مرگ را می‌چشند، بدون آن که جهان از رفتنشان آگاه یا اندوهناک باشد. دیگر آن که، آن‌چه به‌عنوان مکمل و یا طب کل‌نگر در نشریات سازمان بهداشت جهانی آمده است نه به‌عنوان تأیید این روش‌ها از نظر پزشکی است، بلکه به‌عنوان توضیح اطلاعاتی در زمینه‌های فرهنگی ملل مختلف است و این ملیت‌های مختلف برای حل مشکل خود چه روش‌هایی را به

توجه به اعتبار، تخصص و یا شخصیت کسی که چنین تجربه یا مشاهده‌ای را داشته، درست باشد. فقط توسط آزمایش‌های کنترل شده و دقیق و یا آزمایش‌های دانشورزانه است که تأثیر یک دارو ثابت می‌شود. در طب مکمل هیچ‌گاه به این روش‌های جدید علمی بهایی داده نمی‌شود.

کارآیی پزشکی نوین در این است که شیوه‌های متعددی را برای تعیین کارآمدی و اثربخشی یک روش درمانی یا دارو پیدا کرده و این شیوه‌های پژوهش، سلاح پر قدرتی را در اختیار پزشکی نوین گذاشته است که با آن به آسانی می‌تواند همه ادعای پزشکی را آزمایش کند و آن‌هایی را که مؤثر هستند، انتخاب کند و آن‌هایی را که بی‌تأثیر هستند، کنار گذارد.

متأسفانه، داروها و روش‌های رایج در طب مکمل هیچ‌گاه از چنین روش‌هایی استفاده نمی‌کنند و سازمان‌های بهداشتی کشورها بر کار آن‌ها نظارت ندارند و همگی در خارج از سیستم پزشکی این کشورها تولید و مصرف می‌شوند. اطلاعات مربوط به شیوه‌های طب مکمل توسط تولیدکنندگان و فروشندگان محصولات طب مکمل تهیه شده و به فروش می‌رسد. ادعاهای مربوط به اثر شیوه‌ها و داروهای طب مکمل هیچ‌گاه با روش‌های جدی و دقیق و علمی پزشکی نوین آزمایش نشده و اگر شده است پاسخ مثبت نداده است. روش‌های طب مکمل چنان غیرعقلانی و خارج از شیوه‌های مرسوم و پذیرفته شده توسط تحقیقات پزشکی است که هیچ پزشک و پژوهشگری آن‌ها را جدی نمی‌گیرد. مانند قانون اثر بخشی داروهای هومئوپاتی در اثر رقیق شدن، قانون درمان مشابه با مشابه که هیچ

اصل فیزیولوژیکی وجود ندارد که چنین چیزی را نشان دهد. هومئوپات‌ها با توجه بیشتر به مشکلات جسمی و روحی بیمار بیشتر پرستاری می‌کنند تا طبابت. قوانین هومئوپاتی نیز برخلاف قوانین فیزیک (قانون رقت‌ها، حافظه آب، زدن ضربه برای افزایش خاصیت فارماکولوژی)، قوانین شیمی (افزایش اثر فیزیولوژیک با کاهش غلظت، عدم قبول عدد آووگادرو، نبودن هیچ مولکولی از ۳۰ غلظت به پایین) زیست‌شناسی و فارماکولوژی (عدم قبول پذیرنده‌ها، اصل درمان مشابه بامشابه) است. هم چنین بیماری دیابت و یا زخم معده با مستقیم نبودن ستون فقرات هیچ ربطی ندارد، آن‌طور که کایروپراکتیک‌ها تبلیغ می‌کنند.

در مطالعات انجام شده توسط دست‌اندرکاران طب مکمل هیچ‌گاه گروه کنترل یا شاهد به کار گرفته نمی‌شود. مثل این است که کسی یک نظریه جدید بدهد مبنی بر این که اگر به کودکان پنیر بدهید، قد آن‌ها بلندتر می‌شود. پس از سه سال قد این گروه کودکان را که فقط پنیر خورده‌اند اندازه بگیرید و بگویید که بلی قد آن‌ها بلندتر شده است و بنابراین، پنیر در بلندتر شدن قد مؤثر است! در حالی که باید طول قد گروه دیگری از همان کودکان را در گروه سنی مشابه که به آن‌ها هیچ‌گاه پنیر داده نمی‌شود، به‌عنوان شاهد به‌طور هم‌زمان مطالعه کرد و سپس نتیجه رشد این دو گروه را با هم مقایسه کرد.

■ طب نوین

همه ما وقتی که پزشکی بیماری سخت و علاج‌ناپذیری را درمان می‌کند و یا با یک عمل

عمومی را یاد می‌گیرد. حال اگر بخواهد در زمینه پزشکی تخصص بیشتری پیدا کند باید چهار سال در بیمارستان زیر نظر استادان این رشته به تحقیق و طبابت بپردازد. تا در یک رشته تخصصی مانند قلب و عروق خونی، دستگاه گوارش، چشم و گوش و حلق و بینی و یا پوست دانش اندوزی کند. پس از این باید سال‌ها طی دیدن هزاران بیمار مختلف تجربه بیاندوزد.

پزشکان هنگام معاینه بیمار از او شرح حالش را می‌گیرند، گرفتن نبض، شنیدن صدای قلب، شمردن تعداد ضربان قلب، شنیدن صدای ریه، دیدن ته چشم، لمس شکم، اندازه‌گیری فشارخون و بسیاری دیگر از روش‌های معاینه بر حسب احتمال نوع بیماری انجام می‌شود. سپس ممکن است پزشک دستور آزمایش خون، ادرار، عکسبرداری با اشعه ایکس و یا استفاده از ده‌ها وسیله الکترونیکی مختلف را بدهد تا به تشخیص خود برسد. به این ترتیب می‌بینیم که روش‌های تشخیصی طب نوین جامع‌تر، کامل‌تر و کل‌نگرتر از روش‌های طب مکمل یا دیگر روش‌های شبه پزشکی است. داروهای طب نوین پس از آزمایش‌های متعدد در روی میکروارگانیسم‌ها، جانوران و سپس انسان به بازار می‌آیند و به‌طور هم‌زمان در کشورهای مختلف روی آن‌ها آزمایش می‌شود. ترکیب آن‌ها مشخص است و برای بیماری‌های معینی و به مقدار معلومی تجویز می‌شوند. داروهای طب مکمل، طب سنتی و طب اسلامی هیچ‌یک از این مراحل را طی نمی‌کنند. معلوم نیست که در ترکیبات کپسول‌ها و شربت‌های آن‌ها چیست. در موارد بسیاری در آن‌ها مواد ضد درد، آنتی‌بیوتیک، مواد مخدر، کورتون و

جراحی خطرناک زندگی کسی را نجات می‌دهد احترام زیادی برایش قابل هستیم. این قدرت را چه کسی به پزشک و جراح داده است؟ این قدرت را دانشورزی داده است.

علت موفقیت عظیم طب نوین دو چیز است. یکی استفاده از روش دانشورزانه برای شناخت بیماری‌ها و درمان آن‌ها. دیگری انباشت دانش پزشکی طی سده‌ها در کشورهای مختلف. پزشکی نوین پس از جنگ جهانی دوم با کشف آنتی‌بیوتیک‌ها، بیهوش‌داروها و ضددردها شکل کنونی خود را گرفت. مصرف هم‌زمان این سه دارو امکان جراحی‌ها، مانند باز کردن شکم و بخیه زدن اندام‌ها را ممکن ساخت. دانش ژنتیک انقلابی بزرگ‌تر در زیست‌شناسی و پزشکی ایجاد کرد که کمترین دستاورد آن همانندسازی است.

یک پزشک پس از یک رقابت سخت با بهترین دانش‌آموزان دیگر وارد دانشکده پزشکی می‌شود. در سال‌های اولیه دانشجویی علوم پایه مانند فیزیک، زیست‌شناسی، شیمی را به‌طور نظری و نیز عملی مطالعه می‌کند. سپس در سال‌های بعد علوم بینابینی مانند بیوشیمی، فیزیولوژی، فارماکولوژی، میکروبی‌شناسی، آسیب‌شناسی و غیر آن‌ها را مطالعه کرده و در آزمایشگاه به‌طور عملی مهم‌ترین اصول آن‌ها را آزمایش می‌کند، سپس به‌عنوان انترن در بخش‌های مختلف مانند طب داخلی، جراحی، کودکان، زنان و مامایی، روان‌پزشکی و اعصاب زیر نظر استادان مختلف به‌طور عملی آموزش می‌بیند. پس از هفت سال مطالعه، آزمایش و دیدن بیمار وارد اجتماعی می‌شود ولی طی این هفت سال یک سری مطالب کلی و

خواب‌آور دیده شده است که برای افزایش اثر افزوده شده‌اند.

حال این فرآیند آموزش و پژوهش و تعداد بی‌شمار دستگاه‌ها و روش‌هایی را که یک پزشک برای درمان بیمار در دسترس دارد، مقایسه کنید با طبیبان و حکیمان سنتی که بعضی‌ها حتی دیپلم هم ندارند و عنوان دکتر و پروفیسور و حکیم را برای خود جعل کرده‌اند. در حالی که آن‌ها چند کتاب قدیمی پزشکی را که مطالبش دیگر رد شده و از اعتبار افتاده خوانده‌اند و آن‌ها را پیوسته در

رسانه‌های عمومی تکرار می‌کنند. مهم‌تر از همه این که ادعا می‌کنند که همه تخصص‌های پزشکی را دارند و همه بیماری‌ها را درمان می‌کنند. به علاوه تخصص داروسازی و رشته‌های مختلف آن را هم دارند و دارو می‌سازند و در عطاری‌ها می‌فروشند. آن هم بدون اجازه وزارت بهداشتی و بدون این که پروانه ساخت دارو داشته باشد. آن‌ها با یک نگاه، حتی بدون معاینه بیمار، گاهی از طریق رادیو، تلویزیون طبابت می‌کنند و داروهای خود را بدون دیدن و معاینه بیمار با پست می‌فروشند.

